

الگوی عرضه نیروی کار در جامعه مطلوب اسلامی*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۵/۳۱ تاریخ تأیید: ۱۳۹۰/۹/۳

مجید رضایی دوانی**

چکیده

مبانی اصلی استخراج الگوی عرضه نیروی کار در جامعه مطلوب، کیفیت تخصیص زمان فرد مسلمان به کار و فراغت است و این تخصیص با توجه به انگیزه، باور و نیازهای نیروی کار شکل می‌گیرد. فرد مسلمان براساس باورها، احکام و اخلاق اسلامی کار اقتصادی را عمل صالح دانسته و عوامل مؤثر بر ساعات کار افزون بر میزان دستمزد، نیازهای اساسی اجتماع، فقر و تأمین اجتماعی نیز است. تعدد عوامل مؤثر، باعث ثبات نسبی عرضه نیروی کار در وضعیت نوسان دستمزد است؛ گرچه در صورت نیاز ساعات کار به حداکثر می‌رسد؛ هر چند میزان دستمزد به حداقل برسد.

تحقیق پیش‌رو به روش توصیفی تحلیلی به دنبال ارائه الگوی عرضه نیروی کار در جامعه مطلوب اسلامی است و برای الگوسازی با استفاده از روش اقتصاد خرد، فروض اولیه را مطرح کرده و با استفاده از روش‌های ریاضی، مدل عرضه کار را استخراج می‌کند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که عرضه نیروی کار فرد مسلمان تفاوت‌هایی با عرضه کار متعارف دارد و به علت عوامل فرهنگی و دینی مؤثر بر آن ثبات نسبی دارد.

واژگان کلیدی: بازار کار، عرضه نیروی کار، جامعه مطلوب اسلامی، دستمزد ثابت و مشارکت در سود.

طبقه‌بندی JEL: J31, J21, J22.

* مقاله پیش‌گفته برگرفته از مجموعه مقالات درآمدی بر الگوی اسلامی پیشرفت اقتصادی است که در کمیته اقتصاد و مدیریت کمیسیون مطالعات اسلامی دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام تهیه شده و با تلخیص و تغییرات به این شکل درآمده است.

Email: rezai@mofidu.ac.ir.

** عضو هیئت علمی دانشگاه مفید.

مقدمه

اقتصاد هر جامعه شامل بخش تولید و مصرف و ارتباط آن دو با بخش حمایتی از آن است. بخش تولید تأمین‌کننده کالا و خدمات سرمایه‌ای، واسطه‌ای و نهایی جهت استفاده دیگر بخش‌ها است. تولید نیازمند ترکیب هدفمند و علمی عامل‌های تولید است. عامل‌های تولید در یک تقسیم‌بندی کلی شامل کار و سرمایه است. سرمایه، شامل سرمایه نقدی و فیزیکی؛ و سرمایه فیزیکی شامل زمین، مواد اولیه، مصنوعات بشری؛ مانند: ماشین‌آلات و فناوری است. کار نیز شامل کار ساده، کار تخصصی و مدیریت است. در مرحله تولید، کار و سرمایه ترکیب می‌شوند و براساس شیوه فنی و حقوقی ویژه‌ای تولید شکل می‌گیرد. شیوه فنی را علم مدیریت متکفل بوده و شیوه حقوقی نیز در علم حقوق مطرح است.

آیا سرمایه به استخدام و اجاره نیروی کار در آید؟ یا نیروی کار به استخدام و اجاره صاحب سرمایه در آید یا اینکه هر دو طرف با مشارکت به تولید بپردازند و از سود سهم ببرند؟ هر یک از موارد پیش‌گفته شرایط ویژه‌ای می‌طلبد و وضعیت رفاه طرفین را شکل می‌دهد. این موارد را فقه اسلامی بیان کرده و توصیه‌ها و پیشنهادهایی برای آن دارد.

از سوی دیگر، نیروی کار و صاحب سرمایه باید انگیزه حضور در فرایند تولید را داشته باشند. انگیزه آنان محرک‌های لازم را می‌طلبد. باورها، نیازها و انتخاب آنان محرک اصلی برای حضور در بخش تولید است. هر یک از امور پیش‌گفته از دیدگاه اعتقادی، آداب و سنت‌ها، ضرورت‌های اجتماعی و نیازهای فردی متأثر است. از این رو برای مشخص شدن الگوی عرضه نیروی انسانی باید انگیزه‌ها و محرک‌ها تبیین شوند، محدودیت‌های عرفی، شرعی روشن شوند و کیفیت تصمیم‌گیری نیروی انسانی و قواعد ترجیح و تصمیم‌گیری معین شوند. فرد مسلمان باورهایی دارد و رفتار خود را بر طبق فقه و اخلاق اسلامی شکل می‌دهد. باورها، اخلاق و فقه هدایت‌کننده انگیزه‌های فرد است و ترجیح‌های وی را شکل می‌دهد و انگیزه بر انتخاب و تصمیم‌گیری وی مؤثر است؛ بنابراین لازم است انگیزه کار فرد مسلمان تبیین، فضای تصمیم‌گیری وی معلوم، محدودیت‌های الزامی و اخلاقی بیان و قواعد ترجیحی و تصمیم‌گیری معین شود و در نتیجه رفتار و تصمیم‌گیری فرد مسلمان در جامعه مطلوب به دست آید.

مسئله اصلی مقاله پیش‌رو این است که عرضه نیروی کار در جامعه مطلوب اسلامی از چه الگویی پیروی می‌کند؟ نیروی انسانی در جامعه پیش‌گفته چگونه اوقات خود را تخصیص می‌دهد؟ و عامل‌های مؤثر بر آن کدام هستند؟ چه فضایی بر تصمیم‌هایش حاکم است؟ فرضیه تحقیق آن است که کار اقتصادی در جهت عمل صالح دینی بوده و برای انجام آن انگیزه‌های متعددی وجود دارد؛ به‌گونه‌ای که انجام کار مطلوبیت دارد و تغییر در دستمزد فقط عامل کاهش یا افزایش ساعت‌های کار نیست؛ بنابراین در وضعیت تغییر دستمزد، ثبات نسبی در عرضه نیروی کار مشاهده می‌شود؛ البته در شرایطی که وضعیت توزیع درآمد عادی نباشد، در دستمزد پایین فرد حداکثر کار را انجام می‌دهد.

روش تحقیق

از آنجا که مقاله ترکیبی از بحث‌های دینی و اقتصادی است؛ در بحث‌های دینی و کشف مقصود متون دینی باید از روش‌های مرسوم در علوم دینی بهره جست و با تحلیل آیه، روایت و نظریه‌های اندیشه‌وران، گزاره‌های دینی را استخراج کرد. از سوی دیگر، برای الگوسازی با استفاده از روش اقتصاد خرد، فروض اولیه را مطرح کرده و با استفاده از روش‌های ریاضی مدل را استخراج می‌کنیم.

پیشینه بحث

در آثار متعددی که درباره نظام اقتصادی اسلام، نظام اقتصادی صدر اسلام و مبانی اصول اقتصاد اسلامی یا بازارهای اسلامی نگاشته شده یا درباره کار و جایگاه آن در اقتصاد اسلامی بحث شده، به‌طور معمول به اصول و مبانی کار توجه شده و اهمیت آن در اقتصاد اسلامی مطرح شده است و به‌ویژه به جهت تکیه اقتصاد سوسیالیستی بر کار و ارزش اضافی آن بحث کار و نقش آن در اسلام و مقایسه آن با اقتصاد سوسیالیستی و سرمایه‌داری در کتاب‌ها و مقاله‌های متعددی آمده است؛ اما به الگوی عرضه نیروی کار فرد مسلمان کم‌تر توجه شده و آثار محدودی در این‌باره نگاشته شده است. فقط تعدادی از کتاب‌ها و مقاله‌های ذیل که درباره اقتصاد کلان اسلامی نوشته شده برای ترسیم بازار کار، الگوی رفتاری نیروی کار استخراج شده است.

سید کاظم صدر در کتاب اقتصاد صدر اسلام (صدر، ۱۳۷۴) بازار عوامل را بر مبنای الگوی کار فراغت مطرح کرده است.

ضیاء مجید موسوی در چند نوشته از جمله مقاله «نحو نظریة اقتصادی اسلامیه فی التحلیل الکی» (موسوی، ۱۴۱۵ق) با استفاده از منحنی بی تفاوتی درآمد و عبادت و محدودیت زمان کار و تماس شدن آن با خط بودجه و مطلوبیت مقدار درآمد براساس دیدگاه فقهی (کسب مقدار ضروری یا کسب غنا) به دست آورده که در حالت کسب درآمد به مقدار ضرورت اگر دستمزد افزایش یابد، مقدار کار کاهش می‌یابد؛ بنابراین منحنی عرضه کار (ارتباط ساعت کار و دستمزد) نزولی است و در حالت جواز کسب درآمد به مقدار بیشتر عرضه صعودی است؛ البته تا حدی افزایش ساعت کار رخ می‌دهد و در دستمزدهای بالا به عقب بر می‌گردد.

تحقیق عرضه نیروی کار بر مبنای اصول حاکم بر بازار کار اسلامی (رضایی، ۱۳۷۷) نوشته نگارنده که بخشی از بحث‌های مقاله پیش‌رو از آن گرفته شده است؛

محمدحسین کرمی در مقاله «درآمدی بر الگوی تخصیص زمان با نگرش دینی» (کرمی، ۱۳۸۳) سه عامل کسب درآمد از کار، اهداف اخروی، و اهمیت کار کردن را مؤثر در تخصیص زمان افراد آخرت‌گرا دانسته که وی در بسیاری از موارد هنگام تغییر دستمزد و قیمت نسبی کالاها میان فعالیت‌های زمان‌بر و کمتر زمان‌بر جانشینی برقرار می‌کند و منحنی عرضه نیروی کار وی در این محدوده در سطوح دستمزد بالا نسبت به منحنی عرضه نیروی کار افراد دنیاگرا کمتر به عقب بر می‌گردد؛ اما وی با محدوده‌های غیرقابل جانشین روبه‌رو است.

سیدحسین میرمعزی در بخش ششم کتاب اقتصاد کلان با رویکرد اسلامی (میرمعزی، ۱۳۸۴) طرف عرضه اقتصاد را مورد بررسی قرار داده و در فصل دوم نیز عرضه نیروی کار را در اقتصاد اسلامی بیان کرده و با استفاده از مدل فراغت-کار عرضه نیروی کار در بازار اجاره عوامل و در بازار مشارکت عوامل را استخراج کرده و نشان داده عرضه نیروی کار در هر دو بازار صعودی است.

بحث‌های مقاله پیش‌رو در چند قسمت: مفروضات مدل، ویژگی‌های بازار مطلوب اسلامی، قواعد و شیوه تصمیم‌گیری؛ عرضه کار فردی و عوامل مؤثر بر عرضه کار فردی، ارائه می‌شود.

مفروضات مدل

مفروضات مدل به شکل ذیل است:

۱. در قرآن کریم واژه‌های متعددی دلالت بر کار به صورت کلی یا به طور خاص اختصاص دارد و هر واژه در شکل و مشتقات گوناگون به کار رفته است: عمل ۳۵۹ بار، فعل ۱۱۸ بار، جهد ۴۱ بار، سعی ۳۰ بار، صنعت ۲۰ بار، حرث ۱۴ بار، زرع ۱۴ بار، تجارت ۹ بار، کسب ۶ بار، صید ۶ بار، بیع ۳ بار، کذا ۲ بار، و ضرب فی الارض ۲ بار. این کلمه‌ها بر کار انسان، خداوند متعال ﷻ یا فرشتگان دلالت دارد؛ کار اقتصادی یا هر کار و عمل دنیایی. این همه بر جایگاه مهم کار و فعالیت از جمله کار اقتصادی در قرآن کریم دلالت دارد. ابواب متعدد در کتاب‌های روایی، شامل صدها روایت درباره کار است؛

۲. در جهان‌بینی اسلامی، کار مفهوم ویژه‌ای داشته و آثار آن تمام صحنه هستی را می‌گیرد و دنیا و آخرت را به هم گره می‌زند و به عنوان پرتویی و جلوه‌ای از کردار الهی معرفی می‌شود. از باورهای قطعی دینی، این است که تمام افعالی که در عالم رخ می‌دهد، از خداوند متعال ﷻ سرچشمه می‌گیرد. همه مخلوق وی هستند و امر وی را اطاعت می‌کنند. جهان هستی جلوه کار خداوند متعال ﷻ است (رضایی، ۱۳۸۳).

۳. هدف از خلقت انسان آن است که وی با عمل صالح جایگاه خود را در نظام عالم بهبود بخشد و تکامل خود را تحقق دهد (ملک: ۲ / ذاریات: ۵۶)؛ آخرت هر شخص با عملش نقش می‌بندد. اثر هر عمل در آخرت ضبط و در روز قیامت برای انسان‌ها مشخص می‌شود (نجم: ۳۹ - ۴۱). بهشت در ازای عمل صالح مؤمن به دست می‌آید و کردار بد نیز پاداش مناسب خود را دارد (غافر: ۴۱). درجه شخص در قیامت از عملکرد وی است (انعام: ۱۳۲)؛

۴. عمل انسان‌ها در نظام ارزشی دین، گاه عمل صالح و گاه عمل زشت است و جزای هر یک مثل و عین آن است. ارزش هر انسان به عملی است که انجام می‌دهد و هر شخص فرزند عمل خود است. انسان در گرو عمل خود و وام‌دار کار خویش است (مدثر: ۳۸). عمل صالح، حیات طیبه را در پی دارد و خیر آن به عامل آن باز می‌گردد (غافر: ۴۰ / کهف: ۸۸ / یس: ۵۴ / زمر: ۷۰ / نحل: ۹۷ / فصلت: ۴۶) و در برابر آن، زیان عمل بد است که اول متضرر آن، انسانی است که آن را انجام می‌دهد. کار و عمل صالح مطلوب دین است.

صلاحیت عمل به جهت‌دهی آن بستگی دارد، نه به نوع آن؛ بنابراین کار کشاورزی گاه عمل صالح است، و عملی که به ظاهر عبادت است، گاه عمل صالح نیست؛

۵. کسب درآمد و تأمین معیشت زندگی خود و خانواده، تأمین نیازهای اساسی اجتماع، رفع فقر و تأمین اجتماعی نیازمندان، مطلوبیت ذاتی کار اقتصادی اهداف و انگیزه‌های کار فرد مسلمان است (ابن‌اثیر، ۱۹۷۰م، ج ۲، ص ۳۳۷ / حرّ عاملی، ۱۳۸۳، ج ۱۳، ص ۲۴۴ / کلینی، [بی‌تا]، ج ۵، صص ۷۴-۷۵ و ۷۸؛ ج ۲، صص ۳۶-۳۹، ۷۳، ۷۷، ۱۷۱ و ۱۴۸ / طوسی، ۱۴۰۱ق، ج ۹، ص ۱۴۸)؛

۶. شخصی که کاری را به عهده می‌گیرد باید توانایی انجام آن را داشته باشد و از سلامت کافی برای انجام عمل را داشته باشد (قصص: ۲۶). عملی که از کارگر انتظار هست باید در حد قدرتش باشد و تکلیف بما لایطاق نباشد (مجلسی، [بی‌تا]، ج ۷۴، ص ۱۴۱). افزون بر آن فرد باید دانش و تخصص داشته باشد (کلینی، [بی‌تا]، ج ۳، ص ۲۶۲ و ج ۱، ص ۴۴). داشتن تخصص مانع اسراف و اتلاف منابع می‌شود، هزینه تولید را کاهش و کارایی را افزایش می‌دهد. سود واقعی واحد تولیدی را بالا می‌برد و زمینه سرمایه‌گذاری بیش‌تر را فراهم می‌کند. درباره انتخاب افراد برای کار باید به مسئله علم، دانایی و تخصص افراد توجه جدی شود؛

۷. دستمزد براساس کار و کیفیت آن پرداخت می‌شود (شعراء: ۱۸۱-۱۸۳ / نحل: ۹۰). در معامله‌ها، کالا باید با ترازوی صحیح مورد سنجش قرار گیرد و برابری وزن دو طرف لحاظ شود و اموال دیگران بی‌ارزش نشود. آنچه که در حقیقت دو کیلو است، برای جلوگیری از فساد کم‌تر از آن ارزش‌گذاری نشود. در تمام معامله‌ها، دو طرف آن باید با میزان صحیح سنجیده شوند و برابری آنها باید واقعی باشد. ارزش کالا و خدمات ارائه‌شده نباید کم جلوه داده شود، و با حيله و فریب و اعمال فشار از ارزش حقیقی خدمت نیروی انسانی کاسته شود؛

۸. تعهد و عمل به قرارداد و آزادی در انتخاب شغل از ویژگی‌های نیروی کار مسلمان است (معارج: ۳۲ / ملک: ۱۵ / هندی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۵، ص ۴۰۷ / محمودی، ۱۳۸۷، ج ۵، ص ۳۵۹)؛

۹. دولت درباره بازار کار در اقتصاد اسلامی وظیفه‌هایی؛ مانند: دفع ظلم و استثمار نیروی انسانی، تدوین مقررات در محدوده شرع، نظارت بر اجرای قوانین و مقررات،

گسترش آموزش و مهارت نیروی انسانی، تعیین سطوح دستمزدها، تأمین شغل، تأمین اجتماعی و تأمین درآمد برای کارگران و صدور مجوز کسب و کار دارد (رضایی، ۱۳۷۷)؛

۱۰. هر کار حکم شرعی دارد، اکثر مشاغل مباح و تعدادی حرام و مکروه و مستحب است. از آنجا که انجام برخی عنوان‌ها بر انسان واجب است و هر کاری که حرام نباشد، چنانکه تحقق آن عنوان واجب متوقف بر آن کار باشد، شغل نیز وجوب عقلی پیدا می‌کند. عناوین تأمین هزینه زندگی و تأمین نیازهای جامعه، باعث می‌شود شغلی واجب شود (ر.ک به: عاملی (شهید ثانی)، ۱۴۰۳ق، ج ۳، ص ۲۱۸-۲۲۰ / انصاری، ۱۳۷۵، ص ۶۳ / موسوی خمینی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۲۰۳ و [بی تا]، ج ۱، ص ۴۱۳-۵۰۰ / عبداللهی، ۱۳۷۵، ص ۱۳۵-۱۳۶)؛

۱۱. انسان مؤمن ساعت‌های روزانه خود را بین امور دنیوی و آخرتی به گونه‌ای تقسیم می‌کند که عبادت، کسب درآمد، استراحت و وظایف اجتماعی را پوشش دهد. هر یک از این امور حد واجبی دارد که کمتر از آن نباید باشد و برحسب شرایط قابلیت انعطاف دارد و ممکن است بیشتر شود. ساعت‌های اختصاص یافته به کار، مزاحم ساعت‌های استراحت ضروری و عبادات واجب نخواهد شد و همان‌طور که اولیای دین؛ حضرت امیر مؤمنان علیه السلام و امام کاظم علیه السلام فرموده‌اند مؤمن ساعت‌های روز خود را چند قسمت می‌کند: بخشی برای عبادت و بخشی برای تأمین معاش و بخشی برای استراحت و شادمانی همراه با خانواده و رسیدگی به دوستان و خویشان؛ بنابراین؛ اولاً، دایره تغییر ساعت کار مؤمن محدودتر است؛ ثانیاً، چون کار نیز عبادت تلقی می‌شود و دین به آن نگاه مثبت دارد احتمال کاهش ساعت‌های کار کم است؛ ثالثاً مطلوبیت فرد مؤمن بالاتر است؛ چون افزون بر آنکه فراغت و درآمد در مطلوبیت اثر مثبت دارد، حداقل بخشی از ساعت‌های کار نیز اثر مثبت دارد (رضی، ۱۳۹۵ق، ص ۴۳۲، ح ۳۹۰ / حرّانی، ۱۴۱۶ق، ص ۴۰۹ / حرّ عاملی، ۱۳۸۳، ج ۱۲، ص ۳۰)؛

۱۲. از جمله امتیازهای نیروی کار مسلمان و بازار کار اسلامی، وجود آزادی انتخاب در قراردادهای حقوقی و فقهی است که نیروی کار می‌تواند براساس هر کدام از آن با کارفرما قرارداد منعقد سازد (صدر، ۱۴۰۸ق، ص ۶۱۵). به‌طور معمول در جوامع پیشرفته نیروی کار براساس عقد اجاره به استخدام بنگاه اقتصادی در می‌آید. در برخی کشورها استفاده از شیوه مشارکت نیروی کار در بخشی از سود در حد وسیع‌تری اجرا می‌شود. بر طبق دیدگاه

برخی از اندیشه‌وران اقتصادی، نظام دستمزد ثابت باعث می‌شود که در وضعیت رکود و کاهش تولیدات با اخراج کارگران اضافی به علت هزینه بالا، بیکاری گسترش و تعمیق یابد؛ زیرا کارگر فقط دستمزد کسب می‌کند و دستمزد به عنوان هزینه تولید نشان داده می‌شود؛ بنابراین در وضعیت رکود و کاهش تولید، اخراج کارگران و کاهش هزینه واحد تولید مقرون به صرفه می‌شود؛ اما چنانکه از شیوه مشارکت در سود استفاده شود به این معنا که در ازای کار به کارگران و نیروی کار سهمی از درآمد و سود تعلق گیرد، در حقیقت دستمزد به صورت هزینه عمل نمی‌کند؛ بلکه نیروی کار از مجموع درآمد خالص واحد تولید سهمی بر می‌دارد. با افزایش سود و درآمد خالص سهم نیروی کار بیش تر می‌شود و اگر وضعیت رکود رخ دهد و فروش و تولید کاهش یابد سود کم می‌شود و سهم کارگر نیز در نتیجه تنزل می‌کند؛ بنابراین هزینه اضافی بر واحد تولیدی وارد نمی‌شود و نیازی به اخراج کارگران نیست. با بیکار نشدن کارگران، عامل تعمیق رکود از بین می‌رود و درآمد مؤثر کارگران کاهش شدید نمی‌یابد و آنان توان خرید و مصرف کالای تولیدشده را تا حدودی خواهند داشت. در نتیجه وضعیت رکود سریع تر از بین می‌رود (ویتزمن، ۱۳۶۸). با نگاهی به عقدهای فقهی که نیروی کار می‌تواند درباره کارفرما از آن استفاده کند متوجه می‌شویم شخص راه‌های گوناگونی را در پیش رو دارد، و در هر رشته شغلی می‌تواند از آنها استفاده کند. نیروی کار مسلمان اگر صاحب سرمایه است و می‌تواند خوداشتغالی داشته باشد مستقل کار کردن برایش مناسب است تا از منافع آن بهرمنند شود. اگر صاحب سرمایه نیست بر حسب کوشش و تخصص می‌تواند در انواع کارهای تجاری، صنعتی، کشاورزی و خدماتی شرکت کند یا با اجیرشدن و گرفتن دستمزد ثابت درآمد کسب (اجاره و جعاله) یا با شریک شدن در سود درآمد به دست آورد (مضاربه، جعاله، مساقات و مزارعه). با مضاربه در کار تجاری، با مسافات و مزارعه در امور کشاورزی؛ و با جعاله در هر نوع کار تجاری، صنعتی، کشاورزی و خدماتی، با صاحب سرمایه در سود شریک شود. نیروی کار می‌تواند افزون بر دستمزد ثابت، شرط کند که در بخشی از سود هم شریک است؛ نیز می‌تواند سرمایه غیرنقدی را اجاره کند و از سود تولید استفاده کند. افزون بر این می‌تواند با گرفتن دستمزد پیش از انجام عمل، در خرید سرمایه دخالت و شریک در سرمایه شود و نیز می‌تواند با قرارداد جعاله دستمزد خود را به صورت بخشی از سهام قرار

دهد و صاحب سرمایه شود. در برابر، صاحب سرمایه برای رسیدن به سود به علت حرمت ربا راهی به جز همکاری با نیروی کار و کسب سود ندارد. از این رو می توان ادعا کرد که نیروی کار در بازار اسلامی نسبت به انواع گوناگون سرمایه اعم از سرمایه نقدی و غیرنقدی امتیاز دارد. وجود تنوع راه باعث می شود نیروی کار بر حسب شرایط رکود یا رونق اقتصادی به سمت دستمزد ثابت یا مشارکت در سود برود. گرچه می توان از مجموعه روایت ها به دست آورد که اسلام به مشارکت در درآمد و سود تشویق کرده؛ از این رو گاه از اجیرشدن نهی کرده است (کلینی، [بی تا]، ج ۵، ص ۹۰)؛

۱۳. کارفرما نیز باید درباره دستمزد نیروی کار توجه جدی مبذول دارد. دستمزد را متناسب با مقدار و کیفیت کار قرار دهد. رضایت نیروی کار را تأمین، و از ظلم و استثمار وی بپرهیزد. کاری که باید انجام دهد مشخص کرده و برای ارتقای بهره‌وری، کار را بین افراد به بهترین صورت تقسیم کند. در ادای دستمزد تأخیر روا ندارد و تا مقدار دستمزد معین نشده به وی کار نسپارد. محیط کار از شرایط بهداشتی و حفاظتی بهره‌مند باشد (حرّ عاملی، ۱۳۸۳، ج ۱۳، ص ۲۴۵-۲۴۷ / رضی، ۱۳۹۵ق، ص ۴۰۵، ن ۳۰ / مجلسی، [بی تا]، ج ۷۴، ص ۱۴۳).

ویژگی‌های رفتاری در بازار کار مطلوب اسلامی

با تشریح نقاط کلی دیدگاه قرآن کریم، سنت و فقه نسبت به کار و اصول حاکم بر رفتارهای نیروی انسانی، ویژگی‌های کلی بازار کار مطلوب اسلامی را به‌طور اختصار توضیح می‌کنیم:

۱. تمام افراد جامعه که توانایی کار دارند خدمت خود را عرضه می‌کنند و عرضه کار در حد نیازهای جامعه موجود است؛
۲. با توجه به تأکید بر علم‌آموزی نیروی کار متخصص در جامعه تحقق می‌یابد؛
۳. رفتار انحصاری در عرضه کار رخ نمی‌دهد؛ زیرا نیروی کار به حد کفایت وجود دارد؛
۴. امکان جابه‌جایی برای نیروی کار و ورود در بخش‌های گوناگون وجود دارد. هر کس براساس استعداد و سلیقه آزادانه کاری را انتخاب می‌کند؛ بنابراین امکان انتقال افراد و تغییر شغل و مقدار کار وجود دارد؛
۵. بخش عمومی برای تولید کالاهای عمومی و برخوردار از انحصار طبیعی متقاضی نیروی کار است و همین‌طور بخش خصوصی برای تولید کالا و خدمات متقاضی نیروی کار

است. وجود هر دو بخش در جامعه امکان انتخاب را برای نیروی کار فراهم می‌کند و مانع تحقق انحصار خرید نیروی کار می‌شود؛

۶. به جهت حرمت ربا و کنز و لزوم تولید برای کسب سود، سرمایه‌های جامعه به بخش تولید وارد می‌شود. وجود متقاضیان فراوان نیروی کار و امکان استفاده افراد از منابع تولیدی دولتی؛ مانند: معادن، زمین، ... و عدم انحصار آن در نزد گروهی خاص مانع انحصار در تولید می‌شود. تولیدکننده فراوان است و انحصار در تقاضا برای نیروی کار وجود پیدا نمی‌کند؛

۷. مقررات و ضوابط شرعی درباره شرایط متعاقدين، مفاد قراردادها و غیر آن باعث اطمینان در ورود به بازار و بالا رفتن کارایی معامله‌ها می‌شود و افراد با اطلاع از حقوق خود وارد عرصه تولید می‌شوند (صدر، ۱۳۷۴، ص ۱۷۴-۱۷۵)؛

۸. مسئولیت دولت در تحقق عدالت اجتماعی باعث نظارت آن بر بازار کار و تعیین دستمزد حداقلی برای نیروی انسانی می‌شود؛

۹. به جهت حرمت اسراف و اتلاف و وجود تخصص علمی هزینه تولید در کم‌ترین مقدار و بهره‌وری در بالاترین مقدار است؛

۱۰. تولید کالاهای مورد نیاز جامعه واجب کفایی است؛ هر چند سودآوری آن کم‌تر باشد (صدر، ۱۴۰۸ق، ص ۶۵۳-۶۵۴). تولیدکنندگان در جهت نیازهای ضروری جامعه عمل می‌کنند؛

۱۱. نیروی کار به‌ویژه نیروی کار متخصص امکان استخدام با دستمزد معین یا مشارکت در سود را دارد یا اینکه با سرمایه محدود به‌طور مستقل به کار تولیدی بپردازد. وی به هر شکل تولید که درآمد بالاتری برایش به همراه داشته باشد، رو می‌آورد و مجبور به پذیرفتن شرایط خاص نیست؛ بلکه قدرت چانه‌زنی‌اش بالاتر از جوامعی است که فقط راهش استخدام با دستمزد معین است؛

۱۲. از آنجا که در بازار کار اسلامی دولت نقش نظارت و گاه دخالت دارد، بازار کار اسلامی نمی‌تواند به‌عنوان بازار رقابت کامل باشد و از سوی دیگر عوامل گوناگونی در منع از انحصار وجود دارد؛ از این رو بازار انحصاری نیست. برای بررسی کارکرد بازار باید به معیارهای حسن عملکرد آن تکیه کرد. به‌علت وجود متقاضیان و عرضه‌کنندگان فراوان نیروی کار، وجود اطلاعات در سطح بازار، امکان عقد قراردادها در زمان کوتاه و بالابردن کارایی، معلوم‌بودن حقوق افراد، استفاده از ظرفیت کامل بنگاه تولیدی و دولتی بودن تولید کالاهایی که بازدهی فزاینده به مقیاس دارد، در بازار کار رقابت سالمی بین عوامل وجود دارد.

قواعد و شیوه تصمیم‌گیری

قواعد و شیوه تصمیم‌گیری به شکل ذیل قابل تصور است:

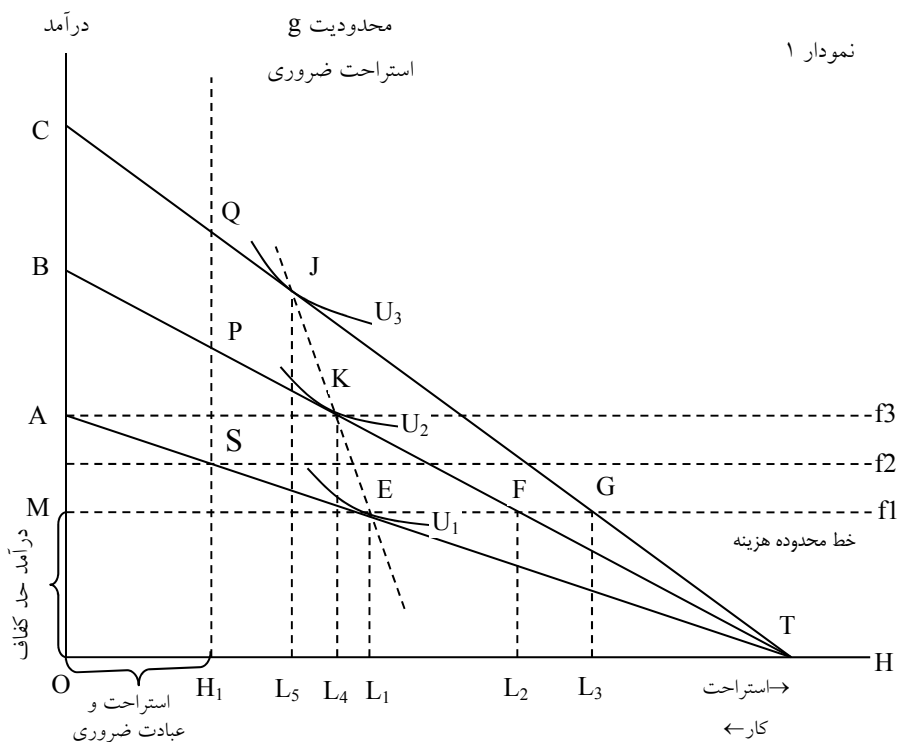
۱. فرد مسلمان با کار، زندگی خود را تأمین می‌کند؛ حتی اگر دستمزد در حداقل ممکن باشد؛
۲. وی حداقل ساعت‌های استراحت و عبادت، و حداقل کار را مراعات می‌کند؛
۳. وی دستمزد بیشتر را بر کمتر در وضعیت مساوی ترجیح می‌دهد؛
۴. عوامل متعددی در انتخاب ساعت‌های کار مؤثر است؛
۵. تأمین نیاز ضروری جامعه؛ حتی اگر درآمد آن کمتر باشد، بر دیگر مشاغل که سود بالاتری دارد مقدم است؛
۶. مطلوبیت فرد افزون بر استراحت و درآمد تابع کار و انجام وظیفه دینی در برابر مردم و دین است.

عرضه کار فردی

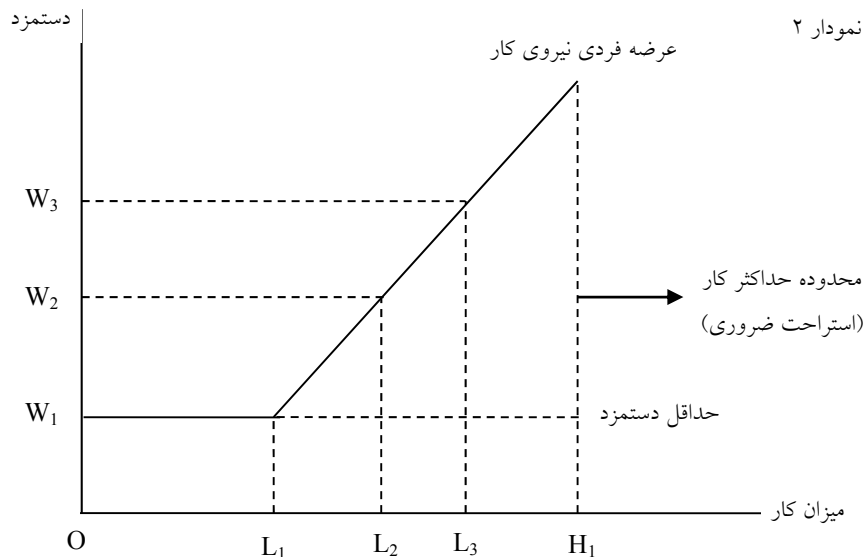
کار اقتصادی برای تأمین معاش زندگی عبادت است و وجوب تأمین معاش، فرد را وامی‌دارد که خدمت خود را در برابر درآمد عرضه کند. نیز براساس توصیه اولیای دین به تقسیم اوقات شبانه‌روز به کار، استراحت و عبادت، مسلمان برای حداکثر رضایت‌مندی خود بخشی از ساعت‌های روز را به کار اقتصادی اختصاص می‌دهد. بخشی از اوقات، مصروف استراحت ضروری می‌شود که بدون آن ادامه زندگی امکان ندارد. بخشی از اوقات هم باید صرف تأمین درآمد کفاف زندگی شود. مؤمن با اختصاص بخشی از اوقات به کار می‌تواند درآمد کفاف را به دست آورد. درباره بقیه اوقات به غیر از اوقات استراحت و عبادت ضروری، بین استراحت و کار براساس دستمزد انتخاب می‌کند. اگر دستمزد افزایش یابد برای پس‌انداز زندگی و بالابردن رفاه خود کار خود را افزایش می‌دهد. براساس مطالب پیش‌گفته اگر بخواهیم رابطه دستمزد و مقدار کار را به دست آوریم، می‌توانیم از الگوی تخصیص اوقات استفاده کنیم (صدر، ۱۳۷۴، ص ۲۱۷).^{*} فرض می‌کنیم

*. البته آنچه در اینجا مطرح کردیم با آنچه در کتاب اقتصاد صدر اسلام آمده تفاوت دارد. به نظر ما منحنی بی‌تفاوتی در پشت خط g قرار نمی‌گیرد و تبادل بین استراحت و کار رخ نمی‌دهد؛ اما در شکل کتاب این تبادل رخ داده است.

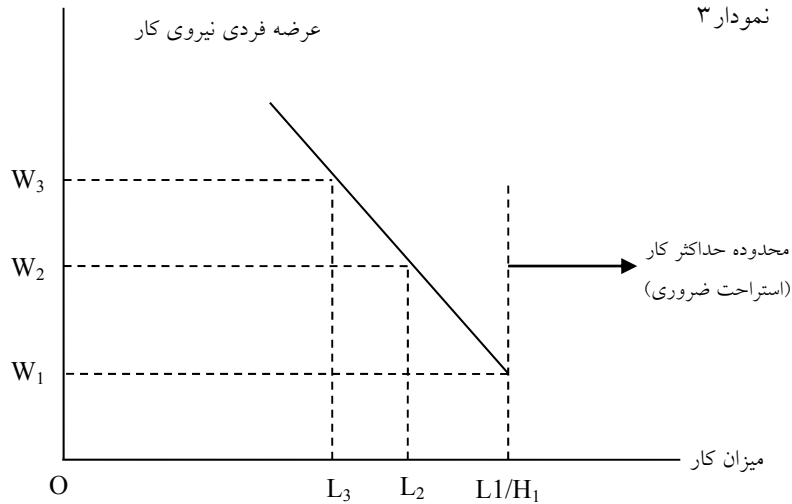
در دستمزد W_1 خط بودجه AT است. اگر دستمزد افزایش یابد خط بودجه به BT می‌رسد (با چرخش به سمت بالا) و با قبول نرمال بودن استراحت و منفی بودن اثر کل (اثر درآمدی + اثر جانشینی) مقدار استراحت کم و مقدار کار افزایش می‌یابد چنانکه دستمزد باز هم تغییر یابد، نقطه حداکثر مطلوبیت شخص تغییر می‌کند. با اتصال نقاط مماس منحنی مطلوبیت با خط بودجه، منحنی عرضه فردی کار به دست می‌آید. محدودیت استراحت ضروری و تأمین معاش را در نمودار (۱) با دو خط g و f نشان داده‌ایم. مقدار ساعت کار هیچ‌گاه از محدوده g نمی‌گذرد؛ زیرا کسب درآمد ناشی از کار که مطلوب شخص است در این محدوده مطلوبیت خود را از دست می‌دهد. در حقیقت منحنی بی‌تفاوتی در اینجا به صورت مجانب خط g در می‌آید و هیچ تبادلی بین کار و استراحت در ورای خط g رخ نمی‌دهد. ساعت استراحت ضروری، مقدار ساعت‌های غیرضروری را شامل می‌شود که لازمه بقای سلامتی بدن و انجام فرایض دینی است که بیشتر از فرد غیرمسلمان است.



مقدار OM برابر درآمد کفاف زندگی شخص است (فرض می‌کنیم جهت سادگی بحث این مقدار تغییر نکند و با تغییر وضعیت دستمزد شئونات اقتصادی و مصرفی فرد ثابت باشد. با فرض تغییر آن در تحلیل خلی رخ نمی‌دهد). بر حسب مقدار دستمزد این درآمد کفاف با چند ساعت کار تأمین می‌شود. در دستمزد W_1 و خط بودجه AT که کم‌ترین مقدار است شخص باید TL_1 ساعت کار کند تا درآمد کفاف تأمین شود. با افزایش دستمزد به W_2 و W_3 و تغییر خط بودجه به BT و CT مقدار ساعت کار برای تأمین درآمد کفاف به TL_2 و TL_3 کاهش می‌یابد؛ البته فرد مؤمن با برخورداری از OH_1 ساعت برای استراحت و عبادت ضروری افزون بر ساعت‌های کار تأمین درآمد کفاف می‌تواند با کار بیش‌تر رفاه خود را بالاتر ببرد. محدوده هزینه f نشان می‌دهد که در هر دستمزدی مقدار کار افراد از چه میزان کم‌تر نمی‌شود. در دستمزد W_1 ممکن است فرد در همین نقطه E بماند و فقط به درآمد اولیه بسنده کند؛ اما به جهت نرمال بودن استراحت به شرطی حاضر است کار بیش‌تر انجام دهد که دستمزد بیش‌تری دریافت کند. در دستمزد W_2 حداقل میزان کارش TL_2 است؛ اما به جهت افزایش دستمزد میزان کارش زیاد می‌شود؛ زیرا هزینه استراحت بالا رفته است و شخص حاضر نیست با این قیمت استراحت این مقدار از آن را مصرف کند، بنابراین مقدار آن را کاهش می‌دهد. همین‌طور در دستمزد W_3 اگر میزان هزینه اولیه را ثابت در نظر نگیریم و واقعیت را ملاحظه کنیم خط محدوده هزینه به بالا حرکت می‌کند و با تغییر دستمزدها، هزینه اولیه زندگی اشخاص تغییر می‌کند (خط f_2, f_3) مقدار کار برای تأمین هزینه اولیه بیش‌تر از حالت پیش است و براساس تغییر دستمزد میزان ساعت‌های کار افراد افزایش می‌یابد؛ زیرا میل به پس‌انداز و بالا رفتن هزینه استراحت (قیمت استراحت افزایش می‌یابد) باعث کاهش مقدار استراحت و افزایش کار می‌شود؛ البته مقدار کار هیچ‌گاه از محدوده استراحت ضروری نمی‌گذرد (بنابراین تغییر هزینه و ثبات آن در تحلیل اختلاف پدید نمی‌آورد). نقاط مماس منحنی بی‌تفاوتی با خطوط بودجه را می‌توان مانند (نمودار ۱) قرارداد و با اتصال آنها منحنی عرضه نیروی کار به دست آید. با تغییر دستمزد مقدار کار از TL_1 به TL_4 و TL_5 افزایش یافته است.



با توجه به نظارت دولت بر بازار کار، حداقل دستمزد برای تأمین درآمد را دولت تعیین می‌کند؛ زیرا عدم تعیین آن از سوی دولت باعث می‌شود که در صورت وجود نیروی کار به مقدار فراوان سطح دستمزد به کم‌ترین مقدار خود برسد و نیروی کار مجبور می‌شود حداکثر زمان ممکن را به کار اختصاص دهد تا بتواند زندگی خود را تأمین کند (آنچه که در برخی جوامع رخ داد). اگر دولت حداقل سطح دستمزد را تعیین نکند، منحنی عرضه کار نزولی می‌شود (در بخش پایین آن) و استراحت که کالای نرمال است، به صورت کالای گیفن در می‌آید (نمودار ۳) با فرض تعیین حداقل دستمزد از سوی دولت اسلامی، این حالت رخ نمی‌دهد؛ البته رخ دادن این حالت به درجه ایمانی و شدت وجود رابطه برادرانه اسلامی بین افراد جامعه بستگی دارد. مسئولیت مراقبت از حقوق کارگران فقط به عهده دولت نیست؛ بلکه پرداخت کمترین دستمزد به مقداری که ظلم تلقی شود حرام، و کارفرمای مؤمن از آن پرهیز می‌کند.

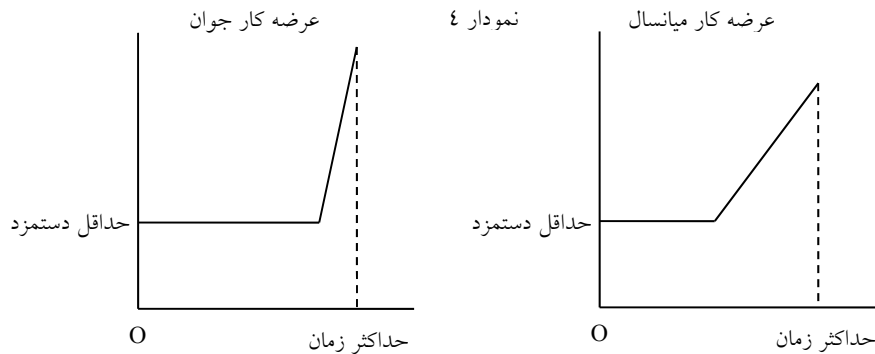


عوامل مؤثر بر عرضه کار فردی

با مشخص شدن کیفیت تصمیم‌گیری در عرضه کار مؤمن، به بررسی اثر عامل‌های گوناگون بر آن می‌پردازیم. در ذیل مهم‌ترین عامل‌ها را مطرح می‌کنیم:

۱. دوره زندگی

انسان پس از ورود به بازار کار می‌کوشد تمام نیازهای خود را با کار تأمین کند. به جهت نیاز به خرید امکانات بادوام از حداکثر اوقات کاری استفاده می‌کند؛ بنابراین دوره زندگی فرد در مقدار عرضه کار و متأثر بودن از دستمزد اثر می‌گذارد. در دوره اولیه زندگی، شخص حاضر است تمام توان کاری خود را عرضه کند (حتی در دستمزد حداقل) و کوشش خود را در کسب درآمد بیش‌تر انجام می‌دهد. در حقیقت در این دوران، استراحت ارزش کم‌تری نسبت به درآمد دارد. هزینه فرصت استراحت کم است؛ اما هر چه به دوران میان‌سالگی می‌رسد وی کار خود را فقط با ازدیاد دستمزد افزایش می‌دهد؛ بنابراین عرضه نیروی کار جوان خیلی کم‌کشش است و عرضه نیروی کار میان‌سال باکشش‌تر است.



با معلوم شدن عرضه کار فرد عرضه کار جامعه هم به دست می آید. در جامعه‌ای که اکثر افراد شاغل بالقوه جوان هستند، عرضه نیروی کار کم‌کشش است و جامعه‌ای که اکثر شاغلان بالقوه در سنین میانی هستند، منحنی عرضه نیروی کار، کشش بالایی دارد.

۲. ثروت و دارایی

اگر نیروی کار افزون بر درآمد کار، ثروتی داشته باشد که برایش درآمدزا باشد، به صورتی که بخشی از هزینه زندگی یا کل آن را می‌تواند از راه آن تأمین کند آیا در مقدار ساعت کار وی تغییری رخ می‌دهد یا نه؟

با توجه به دستور دین اسلام به توسعه در زندگی و بهره‌گیری بیش‌تر از حلال دنیا، داشتن ثروت درآمدزا باعث نمی‌شود که افراد از ساعت کار خود کم کنند. با داشتن درآمد کار و سرمایه، رفاه خود را بالا می‌برد یا در امور خیریه مشارکت می‌کند و صدقه‌های جاری از خود به جا می‌گذارد. مؤمن در کسب درآمد کوتاهی نمی‌کند؛ بلکه در مصرف، به آن جهت مناسب می‌دهد؛ بنابراین اگر به جهت درآمد سرمایه خط بودجه شخص به بالا منتقل شود مقدار کار وی کم نمی‌شود؛ مگر در وضعیت استثنایی که فردی مقدار کارش بیش از حد معمول است و به علت بالابودن هزینه زندگی تمام اوقات خود را صرف کار می‌کند. در چنین حالتی وجود ثروت و درآمد آن باعث می‌شود قدری از ساعات کار خود را کم کند. برای وی استراحت ارزش فراوانی پیدا می‌کند.

۳. اثر مالیات بر عرضه کار

اگر بر درآمد کاری مالیات وضع شود (تناسبی یا تصاعدی) آیا مقدار کار فرد کاهش می‌یابد یا خیر؟ در متون اقتصادی آمده است (موریس، ۱۳۷۱، ص ۲۴۲-۲۴۹ / جعفری صمیمی، ۱۳۷۱، ص ۸۳-۹۴ / پژوهان، ۱۳۷۳، ص ۱۷۹-۱۸۵ / کالیز و جونز، ۱۳۸۸، ج ۱، فصل هفتم) که با وضع مالیات و کاهش امکانات شخص، اثر درآمدی آن باعث کاهش در فراغت می‌شود؛ اما اثر جانشینی باعث افزایش آن می‌شود و بر حسب شدت هر یک اثر کلی معلوم می‌شود. شکل منحنی بی‌تفاوتی هم تأثیر دارد؛ آزمون‌های تجربی تاکنون پاسخ روشنی در این باره ارائه نداده‌اند. در نظام اسلامی نرخ مالیات‌ها به صورت ثابت و متغیر وضع می‌شود. مالیات‌های ثابت؛ مانند: خمس و زکات است. خمس مالیات بر پس‌انداز سالیانه است که پس از محاسبه هزینه‌های سال به میزان ۲۰ درصد دریافت می‌شود. مقدار پس‌انداز به شرایط فرد بستگی دارد اگر ۱۰ درصد درآمد پس‌انداز شود، نرخ خمس نسبت به درآمد سالیانه ۲ درصد می‌شود. از طرفی فرد نمی‌تواند از مالیات خمس بپرهیزد؛ زیرا همه نوع درآمد را شامل می‌شود. نرخ زکات به نسبت نرخ‌های مالیاتی کم است. نرخ زکات دام کم‌تر از ۲ درصد و نرخ نقدین ۲/۵ درصد و غلات زمین آبی ۵ درصد و زمین دیمی ۱۰ درصد است (رضایی دوانی، ۱۳۸۹، صص ۱۰۵ و ۱۱۲). تمام زکات جز زکات بر غلات مالیات بر دارایی است و زکات بر غلات مالیات بر درآمد است، نرخ مالیات متغیر چون در اختیار حاکم اسلامی است، می‌تواند به صورت مالیات بر درآمد یا پس‌انداز یا ... وضع شود.

مالیات بر پس‌انداز اثر منفی بر مقدار کار ندارد؛ زیرا اولاً، این مالیات ثابت است؛ یعنی به عنوان امر ثابت دینی قلمداد می‌شود که شخص همیشه خود را مؤظف می‌داند که آن را انجام دهد؛ ثانیاً، انجام آن عبادت واجب است و مطلوبیت مؤمن را افزایش می‌دهد؛ ثالثاً، از آنجا که افراد در صدد داشتن پس‌انداز برای زندگی هستند، هرگاه شخص بداند هر مقدار پس‌انداز داشته باشد، بخشی از آن به عنوان مالیات ثابت گرفته می‌شود چه بسا درآمد خود را افزایش دهد تا پس از کسر مالیات مقدار خالص آن به اندازه پس‌انداز مورد نظر باشد و این به معنای عدم کاهش مقدار کار؛ بلکه افزایش آن است. در ضمن بحث اثر مالیات بر مقدار کار در موردی است که مقدار عرضه کار پیش از مالیات و پس از آن را بتوان

محاسبه و سنجید؛ اما در مالیات بر پس انداز جامعه اسلامی که به صورت خمس و زکات دریافت می شود، ثبات دائمی آن مانع مقایسه می شود.

مالیات بر غلات هم که به صورت ثابت است؛ مانند: مالیات بر پس انداز عمل می کند. افزون بر اینکه مالیات بر غلات نوعی مالیات بر کالایی است که مقدار محصول آن بسیار تخمینی است. فرد اگر بخواهد مالیات به غلات تعلق نگیرد باید کم تر از حد نصاب تولید کند که مقدار آن ناچیز است. اگر بخواهد درآمد مناسبی داشته باشد مقدار کار خود را کم نمی کند؛ بلکه در افزایش تولید می کوشد تا مقدار باقیمانده برای وی کفاف مخارجش را بکند.

درباره مالیات های متغیر که از طرف دولت اسلامی نهاده می شود چون ادای این مالیات هم انفاق فی سبیل الله است و کمک به دولت در جهت تأمین هزینه های ضروری آن؛ مانند: دفاع، تأمین اجتماعی مستمندان، عمران و آبادی بلاد و ... است و همه اینها نوعی عبادت است، به نظر می رسد مقدار کار کاهش نیابد.

درباره اثر مالیات بر عرضه نیروی کار، نظری و گیلک حکیم آبادی از دو جهت آن را بررسی کرده اند، تأثیر مالیات بر مودی مالیات و تأثیر آن بر دریافت کننده مالیات (پرداخت انتقال). بحث اصلی درباره اثر مالیات های اسلامی بر عرضه نیروی کار مودی مالیات است. نظری و گیلک حکیم آبادی، به دو دسته از مالیات ها توجه کرده اند: الف) مالیات بر درآمد؛ ب) مالیات بر ثروت. آنان خمس را براساس فقه شیعه از نوع مالیات بر درآمد حقوق و دستمزد دانسته اند چرا که پس از حذف هزینه های خانوار، ربح کسب مشمول خمس می شود (نظری و گیلک حکیم آبادی، ۱۳۸۲، ص ۹۷-۹۵). در مدل ارائه شده تأثیر وضع خمس و یک مالیات تناسبی با نرخ ۲۰ درصد و معافیت برابر با نصف هزینه زندگی در سال را با توجه به مدل ریاضی و نمودار بررسی کرده اند. تابع مطلوبیت را با قید بودجه در نظام خمس و قید بودجه در نظام مالیات متعارف حداکثر کرده و با هم مقایسه می شود. L فراغت، Y درآمد، H ساعات کار، W دستمزد، A هزینه زندگی، T کل ساعات و Yn درآمد خالص است:

$$U=U(L, Y)$$

$$Y=WH$$

$$Y_n = Y - \frac{1}{2}(Y-A) = \frac{1}{2}WH + \frac{1}{2}A$$

$$L=T-H$$

$$Y_n = Y - \frac{1}{2}(Y - (A/2)) = \frac{1}{2}WH + \frac{1}{2}A$$

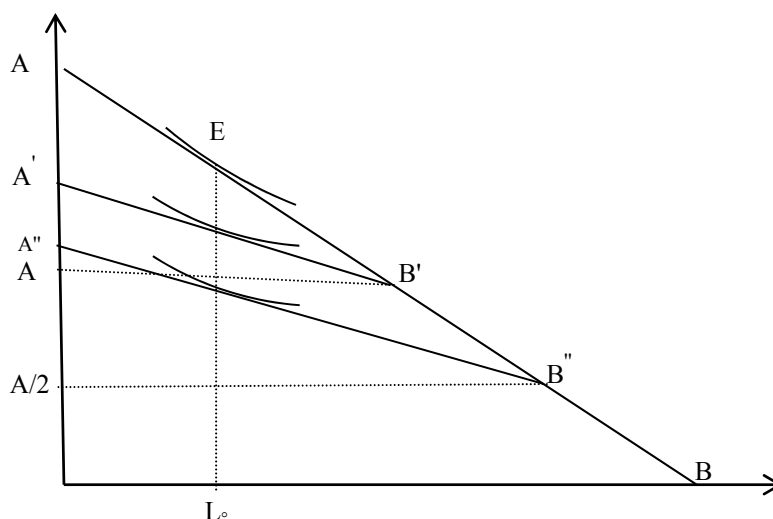
$$L=T-H$$

$$\frac{du}{dH} = \frac{du}{dL} \cdot \frac{dL}{dH} + \frac{du}{dy} \cdot \frac{dy}{dH} = 0 \Rightarrow$$

$$\frac{du}{dH} = -u_1 + u_2 \cdot \lambda w = 0 \Rightarrow \frac{u_1}{u_2} = \lambda w$$

پیش از مالیات یا خمس نسبت $\frac{u_1}{u_2}$ برابر با w است؛ اما این نسبت پس از مالیات کاهش یافته است؛ بنابراین وضع خمس و مالیات، اثر جانشینی دارد. اثر درآمدی باعث کاهش فراغت و در نتیجه افزایش عرضه نیروی کار می‌شود؛ اما اثر جانشینی به علت کاهش هزینه فرصت فراغت باعث افزایش فراغت و کاهش عرضه می‌شود. اثر کل مبهم و بستگی به رفتار عرضه‌کننده دارد. این امر را به وسیله (نمودار ۵) می‌توان نشان داد:

نمودار (۵): تأثیر خمس و مالیات بر عرضه نیروی کار



قیده‌های بودجه AB و $A'B'$ و $A''B''$ به ترتیب مربوط به پیش از وضع مالیات و خمس، بعد از وضع خمس و پس از وضع مالیات است. به طور دقیق نمی‌توان گفت نقطه‌های منحنی مطلوبیت با خطوط بودجه جدید در طرف چپ یا راست L^e قرار می‌گیرد؛ بنابراین اثر آن مبهم است؛ اما در نظام خمس چون معافیت بیشتری دارد، اثر درآمدی کمتر است؛ در نتیجه فرد در نظام خمس نسبت به نظام مالیات در سطح مطلوبیت بیشتری قرار می‌گیرد؛ زیرا روی خط بالاتری قرار می‌گیرد، حتی اگر از نظر مقدار کار هم تغییر نکند.

درباره اثر مالیات اسلامی موثر بر ثروت؛ مانند: زکات بر دام و طلا و نقره مدلی را طراحی کرده‌اند که فرد بین مصرف جاری و فراغت انتخاب می‌کند. اگر ثروت فرد Z و مصرف C باشد، در حالت پیش و بعد از زکات به صورت ذیل در می‌آید.

$$U=U(C,L)$$

$$C=WH+Z$$

$$L=T-H$$

$$\frac{du}{dH} = \frac{du}{dL} \cdot \frac{dL}{dH} + \frac{du}{dC} \cdot \frac{dC}{dH} = 0$$

$$\Rightarrow \frac{du}{dH} = -u_1 + u_2 w = 0 \Rightarrow \frac{u_1}{u_2} = w$$

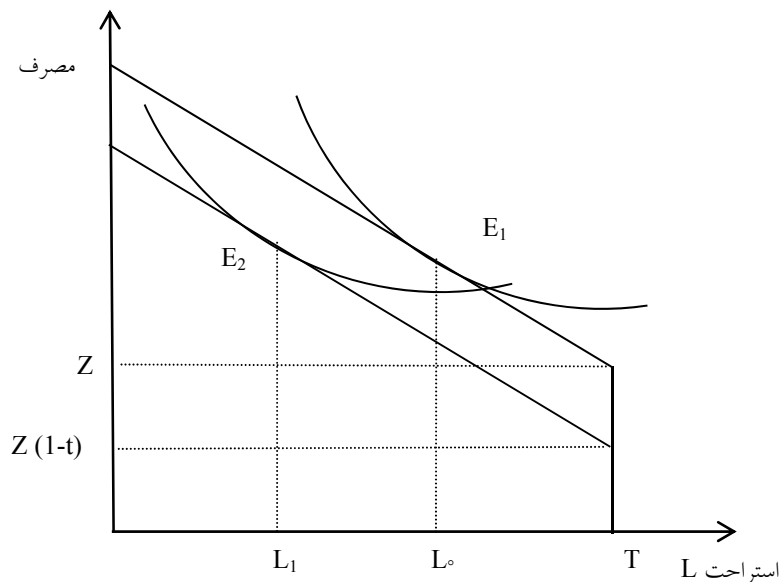
پس از تعلق زکات و پرداخت آن به صورت ذیل می‌آید:

$$C=WH+Z(1-t)$$

$$L=T-H$$

$$\frac{u_1}{u_2} = w$$

نمودار (۶) تأثیر زکات بر عرضه نیروی کار



در این امر اثر جانشینی وجود نداشته و فقط اثر درآمدی دارد. با فرض نرمال بودن فراغت و مصرف، زکات باعث کاهش فراغت و افزایش عرضه نیروی کار می‌شود. درباره اثر مالیات اسلامی بر عرضه نیروی کار باید به نکته‌های ذیل توجه کرد:

۱. به‌طور معمول در مقایسه با مالیات‌های متعارف باید بر مالیاتی تکیه کرد که به‌طور مستقیم بر عرضه نیروی کار مؤثر باشد؛ مانند: مالیات بر دستمزد و حقوق؛ بنابراین مالیات بر ثروت و دارایی اگر به درآمد ناشی از آن وضع شود بر مصرف و پس‌انداز اثر اولیه دارد و برای نشان‌دادن اثر آن بر عرضه نیروی کار باید فروضی را در نظر گرفت؛ مانند: اینکه آیا فرد ساعت اضافی کار در اختیار دارد یا نه؟ آیا فرد پس از مالیات می‌کوشد تا با افزایش پس‌انداز و کاهش مصرف، سطح دارایی را بالا ببرد یا به‌کار رو می‌آورد و با درآمد کاری ثروت فرد را افزایش می‌دهد؟ و غیر این فروض؛ بنابراین بحث اخیر نظری و گلیک‌حکیم‌آبادی را نمی‌توان پذیرفت. افزون بر اینکه در نمودار ترسیم‌شده که مطلوبیت فرد از مصرف جاری و فراغت ناشی است، فرض شده که با کاهش فراغت مصرف بالا می‌رود؛ زیرا خط بودجه نشان می‌دهد که با کاهش فراغت فرد کار بیش‌تری انجام می‌دهد و چون دستمزد می‌گیرد درآمد وی بالا می‌رود و درآمد افزایش‌یافته را مصرف می‌کند. در حالی که ممکن است فرد درآمدهای حاصل را برای مصرف آینده ذخیره کند و در زمان جاری صرف نشود. اگر فرض شود کل مصرف حال و آینده مدنظر است، فراغت کل دوره زندگی باید مطرح باشد و این امر مقایسه را با مشکل روبه‌رو می‌سازد. ضمن اینکه زکات سالانه است و باید مطابق آن برنامه‌ریزی کرد؛

۲. خمس نوعی مالیات بر پس‌انداز است. گرچه پس‌انداز درآمد به‌طور کامل خالص است؛ اما در بحث‌های مالیاتی تفاوت اساسی میان مالیات بر درآمد از حقوق و دستمزد و مالیات پس‌انداز ناشی است. تخفیف مالیاتی در مالیات بر درآمد ناشی از حقوق، باعث نمی‌شود تا مالیات بر درآمد بیش از مقدار معافیت از نوع مالیات بر پس‌انداز شود. همانطور که مالیات بر سود متفاوت از مالیات بر درآمد ناشی از حقوق است، گرچه سود درآمد به‌طور کامل خالص است. اگر بخواهیم خمس را با مالیاتی مقایسه کنیم مشابه مالیات بر سود است؛ اما سود در بخش تولید مطرح می‌شود و پس‌انداز در مصرف. پس‌انداز پس از پایان دوره و تأمین تمام نیازهای مصرفی شکل می‌گیرد؛

۳. در تابع مطلوبیت فرد یا خانواده باید به این نکته توجه کرد که کارکردن در خانه و خارج از خانه از نظر آموزه‌های دینی امر مثبتی است؛ بنابراین فرد باید حداقل ساعت‌های کاری را داشته باشد، چه درآمد غیرکاری داشته باشد یا خیر. حتی اگر زندگی فرد به‌طور کامل تأمین باشد نمی‌تواند تمام ساعت‌های خود را به فراغت بگذراند، وگرنه مشمول احادیثی می‌شود که فرد بیکار را مبعوض خداوند متعال ﷻ می‌داند؛ البته ممکن است کار درآمدزایی نداشته باشد؛ اما بیکار تلقی نشود و از نظر شرعی و دینی امری مثبت باشد. به‌طور مثال کسی که کارهای گوناگونی انجام می‌دهد و در ازای آن، دستمزد نمی‌گیرد و خدمات خود را به‌صورت مجانی در اختیار جامعه قرار می‌دهد یا ساعت‌های عمر خود را به نوشتن داستان و تألیف کتاب‌های علمی بگذراند و چون گذران زندگی وی از راه ثروت است، انجام آن امور ارتباطی به دستمزد ناشی از آن ندارد، و این فرد در نظر شرع کار مثبت و تولیدی انجام می‌دهد؛ اما به‌طور معمول در جامعه تعداد این افراد کم بوده و مسائل جامعه را نمی‌توان با آنها قیاس کرد. افزون بر اینکه می‌توان گفت این‌گونه افراد کاری را بیش‌تر انجام می‌دهند که منافع بیش‌تری برای جامعه داشته باشند؛ بنابراین چون کار مطلوبیت دارد، هر فرد باید حداقل ساعت‌های کاری داشته باشد و آن براساس سطح دستمزد تغییر نمی‌کند؛

۴. به‌نظر می‌آید در ابتدا ساعات کار فرد را، هزینه وی تعیین کند نه مقدار دستمزد؛ بنابراین اگر دستمزد در سطحی باشد که فرد برای تأمین معاش خود باید به غیر از ساعات استراحت ضروری، بقیه ساعات خود را به کار مشغول باشد، فرد ساعت فراغتی نخواهد داشت و اگر دستمزد از آن مقدار کمتر شود فرد ساعت کار خود را نه فقط کاهش نمی‌دهد، بلکه شاید از استراحت لازم هم کم کند. از این‌رو منحنی عرضه نیروی کار اگر در سطوح دستمزد بالا به چپ بر می‌گردد در سطوح پایین دستمزد به راست بر می‌گردد (صدر و رضایی، ۱۳۸۰، ص ۳۳۸ / رضایی، ۱۳۸۴، ص ۸۳). اگر در مدل فرض شود که دستمزد نیروی کار در حدی است که افراد می‌توانند با حدود ۸ ساعت کار زندگی خود را تأمین کنند و سطح کفاف (نه ضرورت) داشته باشند، ممکن است بتوان پذیرفت که منحنی عرضه کار در سطوح پایین دستمزد فقط حالت صعودی دارد. آنچه امروزه در سطح کار جهانی برای اکثر کارگران از جمله ایران مشاهده می‌شود؛ به‌گونه‌ای است که سطح هزینه‌ها

بسیار سریع‌تر از سطح دستمزد تغییر می‌کند و افراد بسیاری برای تأمین زندگی خود مجبور به کار در صبح و عصر هستند، و فشار هزینه باعث افزایش ساعات کار می‌شود نه تغییر دستمزد؛ بلکه می‌توان گفت با افزایش هزینه‌ها تورم ارزش دستمزد را کاهش می‌دهد و افراد به علت کاهش دستمزد واقعی، کار بیش‌تری انجام می‌دهند. در این شرایط، فراغت برای فرد مطلوب نیست و در صورت کاهش درآمد اثر درآمدی باعث افزایش ساعات کار و کاهش فراغت می‌شود؛

۵. از امتیازهای مالیات‌های اسلامی ثبات نرخ آن است. در حقیقت افراد از ابتدای حضور در جامعه، خود را با چنین مالیاتی هماهنگ می‌کنند و با توجه به عبادی بودن آن مالیات‌های ذکر شده، فشاری بر افراد وارد نمی‌سازد. کارایی در جامعه بر این اساس شکل می‌گیرد و تصمیم‌ها با توجه به وجود چنین مالیات‌هایی است؛ البته اگر دولت از مالیات‌های متغیر استفاده کند نرخ آن قابل تغییر است و ممکن است آثاری شبیه به مالیات‌های مرسوم داشته باشد؛

۶. در میان مالیات‌های اسلامی، زکات یا به دارایی تعلق می‌گیرد (زکات نقدین و زکات دام) یا به درآمد بنگاه کشاورزی. در زکات بر گندم، جو، کشمش و خرما ممکن است مالک زمین و باغ کارگر استخدام کند و هزینه آن را از محصول بدهد و زکات به نیروی کاری که گندم را به عنوان اجرت می‌گیرد، تعلق نمی‌گیرد. صاحب زمین و باغ هم پس از کسر هزینه‌ها باید زکات بدهد. این زکات به محصول تولیدی بنگاه تعلق می‌گیرد و شبیه مالیات بر درآمد خالص شرکت است؛ البته با این تفاوت که اگر صاحب زمین و باغ در تولید نقش داشته باشند، دستمزد وی جزو هزینه شمرده نمی‌شود و به نوعی می‌توان گفت هزینه فرصت دستمزد وی مشمول زکات می‌شود؛

۷. اگر دولت اسلامی از مالیات‌های حکومتی استفاده کند. مالیات بر حقوق و دستمزد می‌تواند بر عرضه نیروی کار اثر گذارد. برای بررسی آن باید وضعیت درآمدی شخص را در نظر گرفت. اگر درآمد وی در سطوح حداقل باشد مالیات بر دستمزد باعث افزایش ساعت کار و چه بسا باعث کارکردن دیگر اعضای خانواده شود. اگر وضعیت درآمدی شخص بالا باشد چون درآمدش با مالیات کاهش می‌یابد، باید انگیزه پس‌اندازی را در نظر گرفت. انگیزه پس‌انداز براساس شرایط تفاوت می‌کند. وجود نظام تأمین اجتماعی گسترده

انگیزه پس انداز را کاهش می‌دهد و از طرفی پایداری نظام خانواده و علاقه افراد در به‌جا گذاشتن ثروت به‌صورت ارث یا وجود انگیزه کار و کوشش اقتصادی باعث کار بیش‌تر می‌شود. فرد مسلمان می‌داند یکی از عبادات با ارزش کار و فعالیت اقتصادی حلال است که با آن بتواند وضع معیشتی خود و خانواده را بهبود بخشد یا به دیگران کمک کند یا به‌صورت وقف از خود به جای گذارد.

۴. کمک هزینه دولتی و اثر آن بر عرضه کار

در هر نظام اقتصادی با توجه به وضعیت و معیارهای دستوری، بخشی از درآمد دولت جهت یاری مستمندان اختصاص می‌یابد. اگر افرادی با کار خود نتوانند درآمد کافی کسب کنند و تحت پوشش کمک دولتی قرار گیرند آیا این افراد تغییری در چگونگی تقسیم اوقات فراغت پدید می‌آورند یا نه؟

از دیدگاه نظری در علم اقتصاد با وضع مالیات منفی، مقدار کار کاهش می‌یابد؛ زیرا دو اثر جانشینی و درآمدی هم جهت عمل می‌کنند؛ یعنی هر دو باعث افزایش در فراغت و کاهش در عرضه کار می‌شوند؛ البته از بُعد تجربی به این مطلب اشکال‌هایی گرفته شده است (پژویان، ۱۳۷۳؛ صص ۱۹۶-۱۹۹ و ۲۷۶-۲۷۹).

در جامعه اسلامی، شرط دریافت کمک هزینه دولتی، فقر است و فقیر کسی است که توان کار ندارد یا کار مناسب پیدا نمی‌کند یا درآمدش کفاف زندگی‌اش را نمی‌کند. این فرد کمبود مالی خود را با کمک دولتی جبران می‌کند. فرد مؤمن به‌طور عمد ساعت‌های کار خود را کاهش نمی‌دهد یا خود را بیکار نمی‌کند تا از تأمین دولتی برخوردار شود. مؤمن با استقلال مالی و عدم دریافت کمک دولتی مطولبت خود را بالا می‌برد نه با کاهلی و توقع یاری از دوست. در وضعیت عادی دولت وظیفه دارد برای ایجاد شغل، هدایت و سازماندهی مناسب بکوشد. با وجود فرصت شغلی، افراد به‌علت برخوردار بودن از کمک هزینه دولتی، بیمه بیکاری و ... خود را بیکار نمی‌کند یا از ساعت کار خود کم نمی‌کند؛ زیرا از نظر شرعی فردی که توانایی تأمین هزینه خود را دارد حرام است از کار کردن بپرهیزد.

۵. الگوی مصرف و عرضه کار، تورم و عرضه کار

هر گاه الگوی مصرف جامعه تغییر کند و هر خانواده نیازهای جدیدی را طلب کند؛ بدون آنکه به مرز تجمل و اسراف برسد، در کوتاه‌مدت با فرض ثبات دستمزدها افراد برای تأمین نیازهای جدید کار بیش‌تری انجام می‌دهند؛ بنابراین تابع عرضه که براساس الگوی خاصی ترسیم شده بود منتقل می‌شود، به‌صورتی که در هر دستمزد مقدار کار بیش‌تر می‌شود. مشابه این امر زمانی است که در اقتصاد پولی جامعه کاهش ارزش پول اتفاق افتد و ارزش اسمی کالاها به‌طور متوسط بالا رود. وجوب تأمین هزینه زندگی ایجاب می‌کند که برای خرید کالاهای موردنیاز، افراد کار بیش‌تری انجام دهند (با فرض ثبات دستمزدها) و منحنی عرضه به جلو منتقل می‌شود. اگر الگوی مصرف و سطح هزینه افزایش پیدا می‌کرد خطوط بودجه بدون تغییر می‌ماند و نقاط مماس منحنی‌های به تفاوتی با خطوط بودجه جابه‌جا می‌شد و باعث انتقال منحنی عرضه می‌شود؛ اما در صورت کاهش ارزش پول در حقیقت خطوط بودجه به سمت مرکز منتقل می‌شود و مقدار کار پیشین برای تأمین آنچه پیش از این می‌توانست تهیه کند کافی نیست و شخص با کار بیش‌تر کوشش برای رساندن خود به وضعیت پیشین را دارد.

برخی از محققان باور دارند که در بازار اسلامی به‌علت نبود بازار پولی، تورم رخ نمی‌دهد یا بسیار اندک است (ر.ک به: توتونچیان، ۱۳۶۸، ص ۶۲-۹۶)؛ اما این با تحول‌ها اتفاقی تورم در جامعه اسلامی یا وجود تورم در وضعیتی که نظام اقتصاد اسلامی به‌طور کامل اجرا نشده، تنافی ندارد.

۶. اثر انفاق و روحیه کمک به نیازمندان، وقف مال برای کار خیریه بر عرضه کار

تأکید بسیار فراوان دین اسلام بر ایثار، کمک به دیگران، انفاق مال در راه خداوند متعال ﷺ و ده‌ها نوع کار خیر، عامل مهمی در هدایت رفتار مسلمانان به آن دارد. در طول تاریخ ظهور و گسترش اسلام، تا کنون این رفتارها بسیار شایع شده و بخشی از تمدن اسلامی بر اثر آن تحقق یافته است. این رفتارها در توازن اقتصادی و توزیع درآمد اثر ویژه‌ای داشته است. شکل‌دهی این رفتار به‌صورتی است که افراد با طیب خاطر و با رضایت کامل کار و کوشش می‌کنند و بخشی از درآمد خود را به امور خیریه اختصاص می‌دهند. وجود این

روحیه هیچ اثر منفی بر مقدار کار ندارد، بدون وجود این رفتار، شخص تمام درآمد خود را صرف نیازهای شخص می‌کند؛ اما در پرتو این رفتار قسمتی از آن را به امور خیریه اختصاص می‌دهد و برای ارتقای معنوی خویش و بالابردن رضایت‌مندی خود چنین رفتاری از وی سر می‌زند؛ بلکه می‌توان گفت که چون این عمل عبادت بزرگی است، تقویت این روحیه باعث می‌شود که افراد از هزینه‌های زاید زندگی جلوگیری کنند و به کوشش خود بیافزایند تا بتوانند درآمد اضافی را انفاق کنند.

نمونه اعلا و بی‌همتای آن شخصیت امام علی علیه السلام است که ایام بسیاری را در گرما به کار سخت مشغول بود. حضرت باغ احداث می‌کرد، چاه حفر می‌کرد و آنها را در راه خداوند متعال صلوات الله علیه وقف می‌کرد (مجلسی، [بی تا]، ج ۴۱، ص ۴۰-۴۳). هر چه این روحیه قوی‌تر باشد، افراد برای انجام عبادت و عمل به وصیت‌های اولیای دین، کار اقتصادی بیش‌تری انجام می‌دهند و حاصل آن را وقف می‌کنند؛ البته این امور در صورتی است که فرد پس از کسب معیشت، وقت اضافی داشته باشد. به تعبیر اقتصادی، وجود روحیه انفاق باعث می‌شود تخصیص درآمد کسب‌شده تفاوت یابد. گاه این روحیه در رفتار مصرفی شخص تغییر پدید می‌آورد و گاه افزون بر آن به رفتار تولیدی وی هم شکل جدیدی می‌دهد. شخصی که مطلوبیتش از مصرف کالا تأمین می‌شود، گاهی با تغییر اندیشه‌اش درباره انفاق، چگونگی مصرف کالا را تغییر می‌دهد و برای کسب مطلوبیت به دیگران کالا اعطا می‌کند و از مطلوبیت‌اش کاسته نمی‌شود. در این مرحله روحیه انفاق فقط باعث جابه‌جایی درآمد حاصله شده است و اثری بر مقدار کار ندارد. هر چند در حقیقت با تغییر الگوی مصرف وی مقدار انفاق‌شده محصول، ساعت‌های اضافی کار است که شخص با اراده خود انجام می‌دهد؛ اما گاهی روحیه انفاق قوی‌تر می‌شود به‌صورتی که شخص برای آن حاضر است ساعت‌های بیش‌تری کار کند و مقدار درآمد حاصله را افزایش دهد.

۷. مشارکت و اثر آن بر عرضه کار

از ویژگی‌های اقتصاد اسلامی، اجرای شیوه مشارکت در تولید کالا و خدمات است. نیروی انسانی مختار است که به‌صورت دستمزد ثابت استخدام شود یا با صاحبان سرمایه براساس

مشارکت در سود وارد عرصه تولید شود. مشارکت در بازار اسلامی، امری شایع است و نیروی انسانی در هر شرایطی آنچه به نفع وی است، اختیار می‌کند. مشارکت، محتاج روحیه ریسک‌پذیری است؛ زیرا کسب سود احتمالی است و فقط افراد ریسک‌پذیر در این وادی گام می‌زنند. تاکنون فرض کردیم که شخص براساس دستمزد معین تصمیم‌گیری می‌کند. اگر شخص بخواهد در بازار مشارکت وارد شود به جای دستمزد سهم سود مورد توجه قرار می‌گیرد؛ به گونه‌ای که هر چه سهمیه وی بالاتر رود، فرد حاضر است کار بیش‌تری انجام دهد. همچنین می‌توان درآمد انتظاری وی را محاسبه کرد و براساس آن رفتارهای شخص را تحلیل کرد؛ بنابراین تمام تحلیل‌های پیش‌درباره بازار مشارکت هم جاری است و عامل‌های مؤثر بر عرضه در هر دو بازار، اثر خود را خواهند گذاشت.

باید توجه داشت که ما درباره عرضه فردی بحث داشتیم و عوامل مؤثر بر آن را ذکر کردیم. اگر بخواهیم عرضه کل جامعه را به دست آوریم، می‌توان با جمع عرضه فردی آن را تحصیل کرد؛ البته در عرضه کل جامعه عواملی؛ مانند: رشد جمعیت، سن اشتغال مؤثر هستند؛ اما در بحث ما این عامل‌ها ثابت بود و گرنه با تغییر آنها به‌طور قطع بدون وجود عامل‌های دیگری عرضه نیروی انسانی تغییر می‌کند.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

از آنچه گذشت معلوم می‌شود که عرضه نیروی کار فرد مسلمان تفاوت‌هایی با عرضه متعارف دارد و به‌علت عوامل فرهنگی و دینی مؤثر بر آن ثبات نسبی دارد و انسان مسلمان با کار و کوشش دنیا و آخرت را به هم گره می‌زند و به دور از کاهلی و سستی افزون بر تأمین نیازهای خود تأمین نیازهای جامعه و نیازمندان را جزو برنامه خود می‌داند. بی‌شک شکل‌گیری این روحیه رفاه مناسب برای فرد و توسعه و پیشرفت برای جامعه رقم می‌زند.

منابع و مأخذ

۱. ابن اثیر جزری، ابوالحسن علی بن محمد؛ اسدالغابة فی معرفة الصحابة؛ تحقیق محمدابراهیم بنا و...؛ [بی جا]: دارالشعب، ۱۹۷۰.
۲. انصاری، مرتضی؛ المکاسب؛ تبریز: انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۵.
۳. پژوهان، جمشید؛ اقتصاد بخش عمومی (مالیات‌ها)؛ تهران: مؤسسه تحقیقات اقتصادی دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۳.
۴. توتونچیان، ایرج؛ «پول در اقتصاد اسلامی»؛ مجله اقتصاد و مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی، ش ۲، ۱۳۶۸.
۵. —؛ پول و بانکداری اسلامی و مقایسه آن با نظام سرمایه‌داری؛ تهران: توانگران، ۱۳۷۹.
۶. جعفری صمیمی، احمد؛ اقتصاد بخش عمومی؛ تهران: سمت، ۱۳۷۱.
۷. حرّ عاملی، محمدبن حسن؛ وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة؛ تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۸۳.
۸. حرّانی، ابومحمد حسن بن علی بن شعبه؛ تحف العقول عن آل الرسول ﷺ؛ تصحیح علی اکبر غفاری؛ ج ۴، قم: مؤسسه نشر اسلامی، [بی تا].
۹. رضایی دوانی، مجید؛ «آثار برخی قواعد فقهی حاکم بر بازار کار اسلامی»؛ فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، س ۵، ش ۱۸، ۱۳۸۴.
۱۰. —؛ «کار اقتصادی در پرتو بینش و ارزش‌های اسلامی»؛ فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، س ۴، ش ۱۳، ۱۳۸۳.
۱۱. —؛ عرضه نیروی کار بر مبنای اصول حاکم بر بازار کار اسلامی؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد، قم: دانشگاه مفید، ۱۳۷۷.
۱۲. —؛ مقدمه‌ای بر مالیه عمومی در اسلام؛ تهران: سمت، ۱۳۸۹.
۱۳. رضی، ابوالحسن شریف؛ نهج البلاغه؛ تصحیح صبحی صالح؛ قم: انتشارات هجرت، ۱۳۹۵ ق.

۱۴. صدر، سیدکاظم و مجید رضایی؛ «عرضه نیروی کار فرد مسلمان»؛ مجموعه مقالات نخستین همایش دوسالانه اقتصاد اسلامی، تهران: پژوهشکده اقتصاد در دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۰.
۱۵. صدر، سیدکاظم؛ اقتصاد صدر اسلام؛ تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی علیه السلام، ۱۳۷۴.
۱۶. صدر، سیدمحمدباقر؛ اقتصادنا؛ بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۰۸.
۱۷. طوسی، ابوجعفر محمدبن حسن؛ تهذیب الاحکام؛ بیروت: دارصعب، ۱۴۰۱ق.
۱۸. عاملی (شهید اول)، زین‌الدین؛ الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة؛ تصحیح سیدمحمد کلانتر؛ بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۱۹. عبداللهی، محمود؛ مبانی فقهی اقتصاد اسلامی؛ قم: انتشارات اسلامی، ۱۳۷۵.
۲۰. کالیز، جان و فیلیپ جونز؛ مالیه عمومی و انتخاب عمومی؛ ترجمه الیاس نادران و همکاران؛ تهران: سمت، ۱۳۸۸.
۲۱. کرمی، محمدحسین؛ «درآمدی بر الگوی تخصیص زمان با نگرش دینی»؛ جستارهای اقتصادی، س ۱، ش ۱، ۱۳۸۳.
۲۲. کلینی، ابوجعفر محمدبن یعقوب؛ الکافی؛ تصحیح علی‌اکبر غفاری؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه، [بی‌تا].
۲۳. مجلسی، محمدباقر؛ بحارالانوار؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه، [بی‌تا].
۲۴. محمودی، محمدباقر؛ نهج السعادة فی مستدرک نهج البلاغه؛ نجف: انتشارات نعمان، ۱۳۸۷ق.
۲۵. موریس، فیلیپس؛ تحلیل اقتصادی؛ ترجمه اکبر کميجانی؛ ج ۱، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۱.
۲۶. موسوی، ضیاء مجید؛ نحو نظریة اقتصادی اسلامیه فی التحلیل الکیلی مجموعه المقالات العربیة و الانجیلیزیة؛ با اشراف واعظزاده خراسانی؛ مجمع دراسات الاقتصاد الاسلامی الثانی، مشهد: مجمع البحوث الاسلامیه، ۱۴۱۵ق.
۲۷. موسوی خمینی، سیدروح‌الله؛ المكاسب المحرمة؛ قم: مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۱۰ق.
۲۸. _____؛ تحریر الوسیله؛ نجف: انتشارات آداب، [بی‌تا].

۲۹. _____؛ صحیفه امام؛ ج ۷، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۷۹.
۳۰. میرمعزی، سیدحسین؛ اقتصاد کلان با رویکرد اسلامی؛ تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۴.
۳۱. نظری، حسن آقا و محمدتقی گیلک حکیم آبادی؛ نگرشی علمی به هزینه و درآمد دولت اسلامی؛ چ ۱، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه و پژوهشکده امور اقتصادی، ۱۳۸۲.
۳۲. هندی، علی متقی بن حسام الدین؛ کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال؛ بیروت: مؤسسه الرساله، ۱۴۱۹ق.
۳۳. ویتزمن، مارتین ل؛ اقتصاد شراکتی؛ ترجمه علی یاسری؛ تهران: مؤسسه عالی بانکداری ایران، ۱۳۶۸.